



از آبان تا بهاران انقلاب دموکراتیک

مریم رجوی: جنبش بزرگ مردم ایران برای آزادی پیش می‌رود

۲۲ آبان ۱۴۰۱

سخنرانی به مناسبت سالگرد قیام آبان ۹۸ و گرامیداشت شهیدان قیام سراسری مردم ایران هموطنان، قیام‌آفرینان دلیر!

از قیام آبان ۹۸ سه سال گذشت. اما نه جوشش خون بیش از ۱۵۰۰ شهید آن عصیان انقلابی فروکش کرد و نه اراده‌های رزم‌آور آن قیام بزرگ از حرکت ایستاد.

آن توفان بنیان‌کن ظرف ۴۸ ساعت تصویر برق‌آسایی از امکان و حتمیت انهدام تمامیت رژیم ارائه کرد و حالا در جنبشی به‌بار نشسته که از بهاران انقلاب دموکراتیک ایران و چشم‌انداز پیروزی آن خیر می‌دهد.

مردم ایران اراده کرده‌اند تا رژیم ولایت فقیه را سرنگون و یک جمهوری دموکراتیک بنا کنند.

به شهیدان آبان درود که ماهشهر و اهواز و شیراز و شهریار و اسلام‌شهر و ده‌ها شهر دیگر را با خون خود رنگین کردند تا جنبش و انقلاب به پیش بتازد.

خوشا مادران شهیدان آبان و دادخواهی شجاعانه آن‌ها و خوشا کانون‌های شورشی و قهرمانانی که از قیام آبان هم‌چون یک مدرسه انقلابی درس‌ها فرا گرفتند و آن را تا همین آبان ادامه و استمرار دادند.

به مردم دلیر و غیرتمندی درود که در دی‌ماه همان سال پس از شلیک به هواپیمای اوکراینی توسط سپاه پاسداران خامنه‌ای به‌پاخاستند و خشم عمومی را از این جنایت هولناک نشان دادند.

ریشه‌داری جنبش مردم ایران

قیام بزرگی که از شهریورماه شروع شد، ریشه‌داری این جنبش، بزرگی این جنبش و حتمیت پیروزی‌اش را اثبات می‌کند. چرا که: نیروی قیام‌آفرین جامعه از نیروی سرکوب بسا قدرتمندتر است، نیروی همبستگی مردم از تفرقه‌اندازی و پراکنده‌سازی رژیم بسا بیشتر است و عزم و تصمیم

شورشگران برای به‌زیر کشیدن ولایت فقیه از بسیج سرآسیمه رژیم برای حفظ قدرت به مراتب بزرگ‌تر است.

قیام کنونی تا همین امروز، آفرینش‌های انقلابی و رهایی‌بخش بسیار داشته است. نفس استمرار این قیام به مدت ۲ ماه در سراسر میهن نشان‌دهنده تعادل واقعی بین مردم و حاکمیت ستمگر آخوندی است. خامنه‌ای ولی فقیه رژیم بهتر از هرکس می‌فهمد که هر روز و هر ساعت و هر دقیقه تداوم این قیام، به مثابه به‌صدا در آمدن زنگ‌ها و ناقوس مرگ رژیم است.

این قیام انرژی مبارزاتی عظیمی را آزاد کرده و در خود نسل بی‌شمارانی را متولد و آماده کرده است که سازنده ایران آزاد و دموکراتیک هستند. به قول تحلیل‌گران بین‌المللی، «بزرگترین دارایی ایران هرگز در زیر زمین نبوده است. بزرگترین دارایی ایران اکنون در حال تظاهرات در خیابان‌ها است».

آخوندها و سران وحشت‌زده پاسداران از دستگیری ده‌ها لیدر قیام در شهرهای مختلف خبر می‌دهند و می‌گویند پنجاه نفرشان اعضای مجاهدین‌اند. این، اعتراف آن‌ها به عظمت جنبشی است که صدها لیدر و هزاران قهرمان را در خود پرورانده است.

وزیر اطلاعات رژیم گفت: «آتش این تجمعات پراکنده، توسط عناصر معدود و معین و با اقدامات منظم، حساب شده و جسورانه شعله‌ور می‌شد که کاملاً تشکیلاتی و هدایت شده بود».

بله، این است ارتش بزرگ آزادی مردم ایران .

بخشی از این نبرد هم‌چنین، در زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌های رژیم شعله‌ور است؛ ۳۰ هزار جوان و نوجوانی که در این دو ماه دستگیر شده‌اند، به‌خصوص شورشگران و دلیران کانون‌های شورشی به مقاومت جانانه‌ی دست زده‌اند. آن قدر که بازجویان و دژخیمان ابراز عجز می‌کنند.

قهرمانان در زنجیر در بیدادگاه‌ها می‌گویند که به تهاجمات خود به مزدوران رژیم افتخار می‌کنند. آن‌ها برخاسته‌اند که تمامیت رژیم را براندازند. آن‌ها از خون شهیدان راه قیام و آزادی الهام می‌گیرند و در دانشگاه و خیابان و بر سر مزار شهیدان می‌خروشند: «قسم به خون یاران، ایستاده‌ایم تا پایان».

مادران و پدرانی هم که جگر گوشه‌هایشان شهید شده و پرچم آن‌ها را به‌دست گرفته‌اند، از مظاهر قدرت این قیام‌اند. مادر سیاوش گفت: به من گفته‌اند ساکت باشم ولی ساکت نمی‌شوم و با افتخار می‌گویم این سیاوش نامدار ایران است. پدر کمار، شهید ۱۶ ساله پیرانشهری گفت: «کومار پسر

من نیست، پسر تمام ملت‌های تحت ستم است». و مادر نیکا خطاب به او گفت: «دلبندم وقتی می‌بینم با پرپر شدنت، بذر پاک تفکر و آزادگی و شهامت و شرافتت در دل عزیزان دیگری شکوفا می‌شود، خوشحالم و شکرگزار».

عزیز همه مجاهدین - مادر رضایی‌های شهید - که خودش توسط دژخیمان ساواک شاه شکنجه شد و ۳ سال در زندان بود و هشت تن از اعضای خانواده‌اش در مبارزه با دو دیکتاتوری به شهادت رسیدند، حالا در صف طولانی مادرانی تکثیر شده که از داغ و درد فرزند پاکبخته خود نیروی ایستادگی می‌سازند و از هر کلمه آتشینی که بر زبان می‌آورند، هزاران دختر و پسر دیگر مجذوب راه و رسم شهیدان می‌شوند.

در تقدیر از این مادران و پدران فداکار برمی‌خیزیم. آری، این سیمای خجسته جنبشی است که تار و پودش، لطیف‌ترین احساسات بشری و فداکارانه‌ترین رزم و نبردها و صادقانه‌ترین آرزوها برای یک ایران آزاد است.

زنان صدای سرکوب شدگان

دختران دلیر ایران که در خط مقدم این نبرد ایستاده‌اند، بهترین گواهان طینت پیشرو و رهایی‌بخش قیام‌اند.

به صف شهیدان‌شان بنگرید: مهسا و غزاله و حنانه، حدیث و هدیه و سارینا، آیناز و نگین و نادیا تا اسرا و پریسا و آرنیکا و مونا و کبری و فرشته و نسرين: این خون تازه‌یی است در رگان خلق برای ریشه‌کنی زن‌ستیزی و تبعیض و ارتجاع و استبداد دینی.

آن روز که فاطمه مصباح ۱۳ساله یا نوجوانان ۱۶ - ۱۵ساله هوادار مجاهدین مثل مریم قدسی‌ماب را پاسداران تیرباران کردند، یا روزی که جوانان برومندی هم‌چون صبا و آسیه و نسترن و مهدیه را در حمله جنایتکارانه به اشرف به‌شهادت رساندند، آخوندها هرگز تصور نمی‌کردند که صف بی‌انتهایی از ستارگان دنباله‌دار این نسل در راهند و کار رژیم‌شان را به پایان خواهند رساند.

یادتان هست که نزدیک به ۳۰ سال پیش در مرداد ۱۳۷۲، موقع معرفی ۲۴ زن انقلابی و ذیصلاح مجاهد خلق به‌عنوان اعضا و کاندیداهای نخستین گروه از شورای رهبری مجاهدین، گفتم این صفی تا تهران است. صفی رو به آینده و آینده‌ساز.

در خرداد ۱۳۷۴ در اجتماع هموطنان، در دورتموند خطاب به آخوندها گفتم: «شما هرچه در چننه ارتجاعی و قرون وسطایی خود از وحشی‌گری و زن‌ستیزی و ستم داشتید، برسر زن ایرانی آوردید.

ولی وای به روزی که این نیروی تاریخی عظیم آزاد شود... خواهید دید که دودمان ارتجاعی شما را این زنان مبارز و مجاهد به آتش خواهند کشید و شما به طور محتوم به دست زنان رها شده ایران از صحنه تاریخ جارو خواهید شد».

و در اجتماع ارلزکورت لندن در تیر ۱۳۷۵ تحت عنوان «زنان صدای سرکوب شدگان» حرف ما این بود که: «زنان، نخستین سرکوب شدگان تاریخ اند که علاوه بر تحمل ستم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، کفاره «گناه» زن بودن خود را هم باید بپردازند. اگر زنان نیمی از تمامیت انسان‌های روی کره زمین هستند، پس ستم جنسی و فرهنگ مبتنی بر آن، بلافاصله روی نیمه دیگر - یعنی همه مردان بازتاب دارد و مرد را هم دربند و اسیر و تهی شده از هویت انسانی خود نگه می‌دارد. یعنی که آزادی قطعی و نهایی فرد و اجتماع انسانی، در گرو آزادی زن سرکوب شده است. در تراژدی زنان در میهن اسیرما ایران، هویت انسانی زن هم نفی می‌شود. اما بدانید که سرکوب شدگان امروز، فاتحان فردایند».

۱۸ سال بعد در سال ۱۳۹۳ شورای مرکزی مجاهدین مرکب از هزار زن انقلابی و قهرمان تشکیل شد. با عبور از آزمایش‌های سخت و سنگین در اشرف و لیبرتی با ۷ حمام خون از جانب خامنه‌ای و قاسم سلیمانی و دست‌نشانندگان و مزدوران همین رژیم.

سه دهه پیش در اوایل سال‌های ۷۰، سخن گفتن از هژمونی زنان که فقط در سازمان مجاهدین خلق ایران واقع شده بود، شگفت‌انگیز و باور نکردنی بود. در آن زمان هیچ‌کس و هیچ نیرویی وارد مقوله هژمونی زنان نمی‌شد، چه برسد به رژیم که یادتان هست حتی از سرهم‌بندی کردن یک کمیسیون زنان در مجلس ارتجاع ممانعت کرد و اسمش را هم به کمیسیون خانواده تغییر داد.

اما امروز درخشش زنان پیش‌تاز را در سراسر ایران به چشم می‌بینیم. البته این هنوز از نتایج سحر است. به رژیم می‌گوییم باش تا صبح دولت جمهوری و انقلاب دموکراتیک در ایران زمین بدمد. در شورای ملی مقاومت ایران، ۵۷ درصد اعضای آن را زنان تشکیل می‌دهند، هیچ بحثی هم در مورد روسری و پوشش نبوده و آزادی‌ها و حقوق زنان از جمله حق انتخاب آزادانه لباس و پوشش از آغاز مورد تأکید قرار گرفته است.

همه می‌دانند که در اسفند ۱۳۵۷ وقتی زنان بدون روسری در تهران مورد تعرض چماقداران خمینی قرار گرفتند، این برادران و خواهران ما بودند که به حمایت و حفاظت از آن‌ها شتافتند و در برابر منطق «یا روسری یا توسری» گرداگردشان زنجیر بستند. این یکی از دلایلی بود که خمینی و دار و

دسته او مجاهدین را منافق می‌خواندند و هنوز هم در دستگاه ارتجاعی و ضد تاریخی خود در این تناقض درجا می‌زنند و توان فهم این را ندارند که چگونه می‌شود کسی در جبهه متحد خلق، از آزادی‌ها و حقوق کسانی دفاع کند که افکار و عقاید دیگری دارند و مثل او فکر نمی‌کنند.

نقشه مسیر ایران آزاد فردا

قیام ایران در دو سطح در حال پیشروی است؛ یکی سرنگونی ارتجاع آخوندی، دیگری ساختن آینده تابناک ایران و ترسیم سرنوشتی بر اساس آزادی. بدین صورت، قیام در هریک از خیزهای بلند خود، سرشت رهایی‌بخش خود را بارز می‌کند. نقشه مسیر ایران آزاد فردا به گل می‌نشیند و یک انقلاب دموکراتیک را بیان می‌کند که در حال بسط و گسترش است.

بله، این یک جنبش پرطراوت است که دیرپاترین و زیباترین آرزوها را به پرقدرت‌ترین خواست‌های سیاسی تبدیل کرده است، یک عزم نو در خود دارد که نیروی پیشران آن زنان و جوانان‌اند.

نسلی که بر اصلاح‌طلبی کاذب و خیانت‌پیشه درون رژیم خط بطلان کشیده و زبان دردهای سرکوب‌شدگان است، گذشته ستم‌شاهی و حال ستم‌شیخی را رد می‌کند تا ایران آینده را با رای و انتخاب آزاد جمهور مردم ایران بسازد.

نسلی است که در قلب دانشگاه‌های اشغال شده، کانون‌های آزادی و انقلاب برپا کرده و سنگر آزادی را از دشمن بازپس گرفته است. راستی که دانشجویان ایران با شعله‌ور نگهداشتن قیام‌ها در مهم‌ترین دانشگاه‌های سراسر کشور، در نقش واقعی خود به‌عنوان پیشتازان جنبش انقلابی و رهروان مصمم شهیدان ظاهر شدند. هم‌چنان که خواندند؛ خورشید جاودان آزادی نور آسمان ماست.

بله، این قیامی است که صدای زن ایرانی را با پیشاهنگی و فداکاری و جنگاوری در شورشی سراسری، صدای آزادی و انقلاب کرده است. زنی که راهگشای آزادی و دموکراسی در برابر اجبار دینی و سیاسی و اجتماعی است و سرنگونی هیولای اجبار و زن‌ستیزی را پیشه کرده است.

با درود به همه زنان آزاده میهن و دختران و خواهران شهیدم در این قیام و انقلاب رهایی‌بخش، تاکید می‌کنم: مقاومت و دفاع از خود و مبارزه برای آزادی و سرنگونی این رژیم زن‌ستیز، حق مسلم زنان ایران است. آزادی پوشش حق زنان ایران است.

از موضع وظیفه و مسئولیت در شورای ملی مقاومت ایران و هم‌چنین به‌عنوان یک زن مسلمان،

تکرار می‌کنم: «نه به حجاب اجباری، نه به دین اجباری و نه به حکومت اجباری». سلام بر همه زنانی که بعد از ۴۴ سال رزم و رنج و تقدیم ده‌ها هزار شهید راه آزادی آموخته‌اند که باید با تمام هستی و دارایی خود به میدان بیایند تا نه فقط حق خود، بلکه حق تمام مردم ایران را از گلو آخوندها بیرون بکشند. بدا به حال آخوندها که در برابر این نیروی بنیان‌کن هیچ چاره‌یی ندارند.

حالا نوبت زن آزاده و به‌پاخاسته ایران است که می‌تواند و باید استبداد دینی را شکست دهد. اوست که با رهبری و مسئولیت‌پذیری، آزادی، دموکراسی و برابری را در ایران فردا تضمین می‌کند. این است یک تغییر فصل حقیقی در جنبش آزادی ایران که برخلاف تجارب تلخ پیشین دیگر به زمستان شاه و شیخ باز نمی‌گردد، بلکه نوبهار آزادی و حاکمیت مردم را شکوفا می‌کند. به قول مسعود رجوی «دشمن زبون در بن‌بست و استیصال دست و پا می‌زند. اگر سرکوب نکند توفان قیام و انقلاب بالا می‌گیرد. اگر به سرکوب حداکثری رو بیاورد، شعله‌های "آتش جواب آتش" فروزان می‌شود و تومار ولایت را در هم می‌پیچد».

از زاهدان تا تهران جانم فدای ایران

خامنه‌ای با قتل عام نمازگزاران زاهدان و کشتار جوانان خاش می‌خواست قیام را در سراسر ایران متوقف کند، اما بلوچ‌های قهرمان، مشعلداران جنبش سراسری شدند. به زاهدان و سراوان و خاش قهرمان درود.

راستی با چه واژه‌یی می‌توان زاهدان غرقه در خون و ستم‌دیدگان مظلوم بلوچ را توصیف کرد. آن‌ها از مواهب زندگی چیزی در دست ندارند.

در میان آن‌ها کم نیستند کسانی که مثل خدانور شهید، حتی شناسنامه هم ندارند و جز تهیدستی و بیکاری و زنجیر شدن دست و پایشان به میله‌های زندان نصیبی نبرده‌اند. اما با امید پرشور به آزادی دست در دست شورشگران سراسر ایران، قدرت سرنگونی رژیم را به دست آورده‌اند. به همه به‌پاخاستگان در سراسر ایران از تهران، شورشی‌ترین شهر جهان تا سقز و سنندج و مهاباد و بوکان، تبریز و رشت و مشهد و کرج و اصفهان و کرمان و شیراز و اهواز و اراک و سایر شهرهای به‌پاخاسته ایران درود که در برابر آخوندها متحد شده‌اند و می‌گویند: از زاهدان تا تهران جانم فدای ایران.

چنان‌که مسعود رجوی گفته است: «اتحاد و همبستگی، در میدان عمل برای سرنگونی استبداد

دینی موضوعیت پیدا می‌کند و محک می‌خورد. این به‌گونه‌ی درون جوش و قانونمند، صفوف را تصفیه و از شیخ و شاه، از استبداد و وابستگی و از فرصت‌طلبی و میوه‌چینی و موج‌سواری، پالایش می‌کند».

انقلاب دموکراتیک ایران پیروز می‌شود

ایران آزاد شده از اشغال آخوندها بر رنج ۴۴ ساله ایران و ایرانی بنا می‌شود. رؤیاهایی که به خون نشست و آرزوهایی که در مزارهای ناپیدای قتل‌عام‌شدگان دفن شد، حالا در یک جمهوری دموکراتیک رویان و تابان می‌شود؛ با برابری زن و مرد، با جدایی دین و دولت و خودمختاری ملیت‌های ستم‌دیده.

به همه ایرانیان دور از وطن، که در سراسر دنیا به حمایت از قیام و خواست مردم ایران برای سرنگونی رژیم آخوندی به‌پاخاسته‌اند، درود می‌فرستم.

از ایرانیان در تمام کشورهای جهان می‌خواهم که مردم و دولت‌های این کشورها را ترغیب کنند تا حق مقاومت مردم و جوانان شورشگر برای سرنگونی فاشیسم دینی و دستیابی به آزادی را به‌رسمیت بشناسند و هرگونه رابطه و امداد رسانی به این رژیم را قطع کنند. آخوندها فقط زبان قدرت و قاطعیت می‌فهمند.

پرونده نقض حقوق بشر، از جمله قتل فجیح بیش از ۵۰ کودک و نوجوان در همین روزها توسط سپاه پاسداران خامنه‌ای و قتل‌عام زندانیان سیاسی در ایران، باید به شورای امنیت ملل متحد و دادگاه ویژه بین‌المللی ارجاع شود.

تجمع هموطنان در مقابل زندان اوین و همچنین تحصن هموطنانمان در کشورهای اروپایی برای دفاع از جان زندانیان سیاسی در اوین زنگ‌های خطر را به صدا در آورده است. جان زندانیان در خطر است و ملل متحد باید اقدام فوری برای بازدید از زندان‌های رژیم به عمل بیاورد.

سفارت‌های این رژیم باید تعطیل و مزدوران اطلاعات و نیروی تروریستی قدس اخراج و پاسپورت‌هایشان باطل شود.

کرسی ایران در ملل متحد هم‌چنان که از چهاردهه پیش گفته‌ایم از آن مردم و مقاومت ایران است. سپاه پاسداران خامنه‌ای باید در تمامیت خود لیست‌گذاری و منحل شود.

همراه با جوانان سراسر ایران خطاب به خامنه‌ای و ابوباش و جانیان پاسدار، بسیجی و لباس شخصی فریاد می‌زنیم: «بترسید، بترسید، ماهمه با هم هستیم».

انقلاب دموکراتیک ایران پیروز می‌شود و رژیم آخوندی از ایران جارو می‌شود.
سلام بر شهیدان، سلام بر آزادی